

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری  
صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سر دبیر: دانیال معمار

با تشکر از: جواد عزیزی، الهه فراهانی و فتنه احدی

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی  
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر  
ویرایش عکس: کامییز نویدی، ویرایش متن: فرهاد غلامرضایی، فاطمه ناصری آلاشتی

سندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶  
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۲۳  
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷  
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۳۳، کوچه شهید قریشی، شماره ۱۰۱، روزنامه همشهری

همشهری

گروه ضمائم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،  
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،  
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،  
سرخ و محله

همشهری

قتل  
در خانه اعیانی

معمای  
پلیسی

معمای  
شماره ۲۸



پاسخ‌هایتان را از طریق پیامک  
به شماره ۳۰۰۰۹۹۹۰۱ ارسال  
کنید. به ۳ نفر از افرادی که  
پاسخ درست را ارسال کرده  
باشند به قید قرعه کارت هدیه  
۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

## پاسخ معمای شماره ۲۷

معمای شماره قبل درباره قتل مردی در خانه‌ای ویلایی بود. او که به تنهایی زندگی می‌کرد به طرز مرموزی به قتل رسیده بود و هیچ‌کس از آنچه اتفاق افتاده بود اطلاعی نداشت. یکی از دوستان مقتول وقوع حادثه را به پلیس گزارش کرده و گفته بود: دور خانه چرخ زدم و سراغ پنجره اتاقش رفتم. اتفاقا پرده کنار بود اما شیشه بخار کرده و داخل معلوم نبود. به همین دلیل دستمال را از جیبم در آوردم و با آن بخار شیشه را پاک کردم تا بتوانم داخل را ببینم. همین که بخار شیشه کنار رفت در انتهای اتاق متوجه دوستم شدم که روی زمین افتاده بود و در کنارش رد خون دیده می‌شد. او این حرف‌ها را در شرایطی زد که شیشه خانه از داخل بخار می‌کند و او نمی‌توانسته با دستمال بخار شیشه را پاک کند. نخستین دروغی که او گفت باعث شد پلیس به وی مظنون شود و در نهایت وقتی تحت بازجویی قرار گرفت اعتراف کرد که با انگیزه سرقت، دوست قدیمی اش را به قتل رسانده است.

شدم. همه چیز آرام بود تا اینکه صدایی شنیدم و با نگرانی از اتاق بیرون آمدم و متوجه شدم این حادثه اتفاق افتاده است. دومین نفری که کارآگاه از او تحقیق کرد آشپز خانه بود؛ زنی حدود ۴۵ ساله که از حدود ۲ سال قبل به عنوان آشپز در این خانه کار می‌کرد. او به کارآگاه گفت: من در آشپزخانه مشغول در دست کردن صبحانه بودم و از هیچ چیز اطلاع ندارم. فقط صدایی شنیدم و وقتی بیرون آمدم دیدم همسر مقتول گریه می‌کند و فهمیدم شوهرش به قتل رسیده است. نفر سوم و چهارم باغبان و خدمتکار خانه بودند. باغبان گفت در انتهای حیاط به درختان رسیدگی می‌کردم و آخرین نفری بودم که از حادثه باخبر شدم. خدمتکار هم گفت در اتاق دیگری مشغول کار بوده اما نخستین نفر بوده که متوجه ماجرا شده و به اتاق مقتول رفته است. هر کدام قتل را از زاویه نگاه خود برای کارآگاه شرح دادند اما وقتی تحقیق از این ۴ نفر به پایان رسید کارآگاه موفق شد عامل جنایت را شناسایی کند و زمانی که مأموران محل وقوع قتل را ترک می‌کردند، قاتل را نیز بازداشت و همراه خود منتقل کردند. به نظر شما عامل قتل مرد ثروتمند چه کسی است و کارآگاه چطور متوجه شد که او قاتل است؟

چندی قبل به پلیس خبر رسید که جنایت هولناکی در یکی از خانه‌های اعیانی شهر اتفاق افتاده و در جریان آن مرد ثروتمندی به قتل رسیده است. او تاجر معروفی بود که انتشار خبر قتلش جنجال زیادی به پا کرد. دقایقی از اعلام این خبر به پلیس می‌گذشت که کارآگاه همراه تیم بررسی صحنه جرم خود را به آنجا رساند و تحقیقات گسترده‌ای آغاز شد. هنوز هیچ‌کس به درستی نمی‌دانست مرد ثروتمند توسط چه کسی و با چه انگیزه‌ای به قتل رسیده است. جسد مقتول در شرایطی کشف شد که کف اتاق خوابش افتاده بود. آنطور که نزدیکان مقتول می‌گفتند او در حال استراحت در اتاقش بوده که به قتل رسیده. متخصصان پزشکی قانونی در حال انجام معاینه‌های اولیه و نمونه‌برداری از جسد بودند که کارآگاه به تحقیق از افراد حاضر در خانه پرداخت تا اسرار جنایت بر ملا شود. آنطور که شواهد نشان می‌داد هنگام وقوع جنایت جز مقتول ۴ نفر دیگر در خانه حضور داشتند. این افراد شامل همسر مقتول، آشپز، خدمتکار و باغبان خانه می‌شدند. کارآگاه در ادامه به بررسی میدانی خانه مقتول پرداخت. آنطور که شواهد نشان می‌داد قتل، حوالی ظهر اتفاق افتاده بود و ردپایی از ورود فرد غریبه‌ای به خانه دیده نمی‌شد. قفلی شکسته نشده بود و هیچ‌کدام از حاضران و حتی همسایه‌ها صدای درگیری یا شکسته شدن شیشه و... را نشنیده بودند. در چنین وضعیتی بود که کارآگاه، حاضران در خانه را یک به یک به اتاقی فراخواند تا از آنها تحقیق کند. نخستین نفر همسر مقتول بود. او که از قتل شوهرش وحشت زده بود وقتی در برابر کارآگاه قرار گرفت گفت: صبح زود بیدار شدم، ورزش کردم و دوش گرفتم. سپس به اتاقم رفتم و مشغول مطالعه

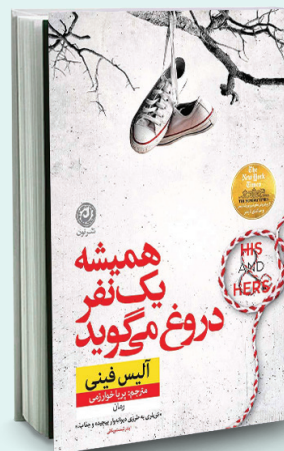
## همیشه یک نفر دروغ می‌گوید

معرفی  
کتاب



علی الله سلیمی، روزنامه‌نگار: کتاب «همیشه یک نفر دروغ می‌گوید» نوشته آلیس فینی با ترجمه پریا خوارزمی از سوی نشر نون منتشر شده و به یک

ماجرای جنایی و معمایی می‌پردازد. داستان این کتاب با یک معمای قتل ساده شروع می‌شود اما رفته رفته متوجه می‌شوید که قضیه به آن سادگی‌ها که فکرش را می‌کردید، نیست! دو راوی اصلی این کتاب زن و شوهری هستند که از هم طلاق گرفته‌اند و ممکن است قاتل دوستی مشترک باشند. ۳ راوی داستان کتاب «همیشه یک نفر دروغ می‌گوید» را روایت می‌کنند که شخصیت «جک» یکی از آنهاست. او کارآگاه جک هارپر، رئیس تیم جنایی در یک منطقه روستایی است. جک از لندن به همان روستایی که در آن بزرگ شده نقل مکان می‌کند؛ درست بعد از زمانی که از همسرش، آنا، جدا می‌شود. او مشکل بی‌خوابی دارد و بیش از حد می‌نوشد. وقتی یک پرونده قتل را به او می‌سپارند، جک متوجه می‌شود که قربانی همان زنی است که شب قبل را با او آشنا شده؛ برای همین از قبول کردن پرونده امتناع می‌کند. اما همکار او پریا پاتل به او مشکوک می‌شود و همه حرکات جک را زیر نظر می‌گیرد. دومین راوی داستان، آنا اندروز ۳۶ ساله، مجری اخبار تلویزیونی بی‌بی‌سی است. او پس از مرگ دختر نوزادش، از همسرش طلاق می‌گیرد و خود را غرق در کار می‌کند. آنا اسرار بسیاری دارد که آنها را برای هیچ‌کس فاش نکرده. وقتی تصمیم گرفته می‌شود که او دیگر مجری اخبار نباشد، آنا سردرگم می‌شود. تا اینکه متوجه می‌شود در روستای محل تولدش، قتل رخ داده است. داستان زمانی پیچیده‌تر می‌شود که می‌فهمد مقتول، دوست قدیمی خودش است. او برای پوشش خبری قتل به روستا فرستاده می‌شود و درگیر ماجراهای عجیبی می‌شود. اما سومین راوی کتاب، شخصیت معمایی یا همان قاتل است که ما نمی‌دانیم قاتل کیست؛ اما میان روایت‌های آنا و جک، روایت او را از قتل‌ها می‌شنویم.



## خزنده

فیلم

داستان‌های جنایی هیچ‌گاه مخاطبان خود را از دست نمی‌دهند. تریلرها، آثار پلیسی، معمایی، جنایی، کارآگاهی و... به دلیل برانگیختن حس تعلیق و کنجکاوی در مخاطب، دسته‌ای محبوب در سید سرگرمی تماشاگران هستند و طیف زیادی را با خود همراه می‌کنند. از زمان داستان‌های پوآرو و شرلوک هولمز تا به امروز، روایت‌های پلیسی و جنایی با توجه به جغرافیا، فرهنگ، سلیقه و نوع سینمای کشور سازنده، شکل‌های مختلفی به خود گرفته‌اند و خیلی از فیلمسازان، دیگر به داستان‌های جنایی کلاسیک اهمیتی نمی‌دهند. ولی «خزنده» یک جنایی پلیسی است که ترکیب می‌دهد طبق اصول هالیوود داستان خود را جلو برد و به عناصر کلاسیک وفادار بماند. بعد از قتل وحشیانه یک مشاور املاک جوان، یک کارآگاه سخت‌کوش (دل تورو) سعی می‌کند حقیقت را در پرونده‌ای که هیچ چیز آنطور که به نظر نمی‌رسد، پیدا کند

و با این کار، خیالاتش در زندگی خود را خراب می‌کند. فیلمنامه این فیلم را نیز گرانت سینگر، بنجامین بروور و بنیسیو دل تورو به صورت مشترک، به نگارش درآورده‌اند و بنیسیو دل تورو، جاستین تیمبرلیک، اریک بوگوسیان، آلیسیا سیلورستون و... ستاره‌های این فیلم هستند. تنها ایراد داشتن چنین بازیگرانی این است که نمی‌توانیم همه بازیگران را به اندازه کافی ببینیم. با اینکه فیلم بیش از ۲ ساعت طول می‌کشد، شخصیت‌های زیادی در این داستان وجود دارد که برخی فقط یک صحنه را اینجا یا آنجا دریافت می‌کنند. البته، این یک معمای جنایی است، بنابراین چند شخصیت به دلایل واضح مرتبط با جرم، ناپدید می‌شوند. فیلم با یک غافلگیری مهم در دقایق پایانی همراه است. درحالی‌که همه ذهن‌ها به سمت متهمی است که باعث کابوس کارآگاه شده، ناگهان فیلم با یک شوک به پایان می‌رسد.

